



خط زمان در قرآن؛ بررسی موردی «إذ» و «وإذ»

محسن الویری / استاد گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم

alviri@bou.ac.ir  orcid.org/0000-0002-1922-638X

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

چکیده

مقوله «زمان» یکی از اصلی‌ترین مقومات تاریخ - با هر تعریفی از آن - است. مفهوم زمان در دانش تاریخ و به عبارتی دقیق‌تر، «زمان تاریخی»، تفاوتی جوهری با مفهوم رایج از زمان در فلسفه و فیزیک دارد. یکی از ویژگی‌های زمان تاریخی، پیوند آن با مقوله‌ای به نام «خط زمان» است و این مفهوم نیز به‌نوبه خود در پیوند با مفهومی دیگر به نام «رویدادهای مهم» قرار دارد. «خط زمان» (Timeline) که اکنون جایگاهی مهم در اطلاع‌رسانی یافته، حکایتگر یک بازه زمانی برای بازنمایی یا ارائه منظم گرافیکی یا غیرگرافیکی مهم‌ترین رویدادهای آن بازه است. قرآن به دلیل پیوند تاریخ با هدایت انسان، اهتمامی در خور توجه به تاریخ - البته با شیوه بیانی ویژه خود - دارد و به نظر می‌رسد که برجسته ساختن توالی زمانی رویدادها و ارائه الگوهای مختلفی برای خط زمان، یکی از مصداق‌های این اهتمام باشد. نوشتار پیش‌رو پس از مروری بر تعابیر مختلف قرآنی در این زمینه، با بررسی موارد کاربرد «إذ» و «وإذ» در قرآن، کوشیده است یکی از خط زمان‌های موردنظر قرآن را بازنمایاند. این بررسی نشان می‌دهد که «إذ» و «وإذ» به معنای ظرف زمان و متعلق به فعل محذوف «اذکر» یا «اذکروا»، یک خط زمان با تکیه بر پاره‌ای رویدادهای مهم زندگی نه تن از پیامبران (ابراهیم، لوط، موسی، سلیمان، الیاس، یونس، یوسف، عیسی و محمد ﷺ)، دو تن از شخصیت‌های الهی (لقمان و مریم) و یک گروه (اصحاب کهف) را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، پیامبران، خط زمان، زمان تاریخی، تاریخ‌نگاری اسلامی.

بازتاب تاریخ در قرآن و چگونگی بهره‌گیری قرآن از مفاهیم و رویدادهای تاریخی، بی‌تردید یکی از درجه‌های فهم قرآن است. اینکه از نگاه قرآن کدام دسته از رویدادهای تاریخی اهمیت بیشتری دارد، می‌تواند پرسشی مهم و اثرگذار بر مطالعات قرآنی - تاریخی باشد. با توجه به سرشت زمان‌محور تاریخ،^۱ بررسی چگونگی بازتاب یافتن زمان تاریخی در آیات قرآن می‌تواند ما را در مسیر شناخت نگاه قرآن به تاریخ مدد رساند.

این نکته پذیرفته شده است که قرآن کتاب تاریخ نیست؛ ولی به دلیل پیوند تاریخ با هدایت انسان، این کتاب اهمیاتی درخور توجه به تاریخ - البته با شیوه‌ی بیانی ویژه خود - دارد. به نظر می‌رسد که یکی از قالب‌های توجه قرآن به تاریخ، برجسته ساختن توالی زمانی رویدادها و ارائه‌ی الگوهای مختلفی برای خط زمان است.

نوشتار پیش‌رو پس از مروری بر مفهوم زمان و زمان تاریخی و خط زمان، و با بهره‌جستن از روش‌های متعارف تحلیل متن و شناسایی، گردآوری، گونه‌شناسی و دسته‌بندی اطلاعات، کوشیده است کاربرد «ذ» و «وِذ» در آیات قرآن را به‌عنوان یکی از روش‌های نشان دادن خط زمان بر پایه‌ی معرفی رویدادهای مهم بازنمایاند. این یافته، درحقیقت پاسخ به این پرسش است که قرآن برای برجسته ساختن نقش سازنده‌ی تاریخ در زیست امروزی و آینده‌ی بشر، واکوی و همواره مدنظر داشتن کدام دسته از رویدادهای تاریخی را توصیه کرده است؟

۱. چهار مفهوم زمان

زیست فردی و اجتماعی بشر در پیوندی گسست‌ناپذیر با مسئله‌ی زمان قرار دارد؛ چه به‌عنوان ظرف زندگی بشر و چه به‌عنوان یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی و تعیین تقدم و تأخر فعالیت‌ها. نمونه‌های بی‌شماری از دخالت عنصر زمان و دخالت آن در زندگی بشر می‌توان نشان داد. اساساً هیچ فعالیت بشری بدون تصور زمان ممکن نیست. افزون‌بر توده‌ی مردم، شاخه‌های مختلف علوم هم به مسئله زمان و ابعادی از آن که کاربرد عمومی کمتری دارد، توجه و اقبال نشان داده‌اند. مباحثی همچون چستی زمان و درک و تحلیل مفهوم آن نیز در کنار زندگی روزمره، از دیرباز در یک فضای نخبگانی مورد توجه اندیشمندان بوده است. افزون‌براین، مفاهیم و مقولاتی مانند آغاز آفرینش، ادوار عالم، ثبات و حرکت و تغییر پدیده‌ها، ازلیت و ابدیت، علیت، توالی (پی‌آیندی)، به‌هم‌پیوستگی (تواصل) و گسست، چرخه‌ی عمر، هم‌زمانی و ناهم‌زمانی، کوتاه‌مدتی و میان‌مدتی و بلندمدتی، مسئله‌ی مرگ، عالم رؤیا (زمان برای مجردات)، و فاصله،^۲ که همگی در پیوند با مفهوم زمان و ابعاد مختلف آن هستند، در شاخه‌های مختلفی از علوم، از کیهان‌شناسی گرفته تا فلسفه و از دانش مدیریت گرفته تا روان‌شناسی، مورد بحث است.

به نظر می‌رسد برای مشخص کردن دقیق اینکه چه مفهومی از زمان در این نوشتار مدنظر است، ناچار باید مروری گذرا بر چهار گونه‌ی متفاوت از مفهوم زمان داشته باشیم: زمان عرفی، زمان فلسفی، زمان فیزیکی و زمان تاریخی.

۱. تعبیر او چنین است: زمان اساس تاریخ است (مایکل استفورد، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ص ۲۹۴).

۲. لیندا توهیوای اسمیت، استعمارزادی از روش، ص ۸۵.

۱-۱. زمان عرفی

مفاهیمی همچون گذشته و حال و آینده، دیر و زود، وقت کم یا زیاد داشتن، قبل و بعد، نو و کهنه، مدت (اندازه زمان)، تکرار، مرحله‌بندی، تقویم، شتاب، کندی و سرعت،^۱ تمام زندگی انسان‌ها را پر کرده است. گزارش‌ها، داستان‌ها، خاطرات و سخنان روزمره مردم هم آکنده از تعابیری مانند فرارسیدن زمان موعود، به‌سختی سپری شدن زمان، به‌سرعت نزدیک شدن زمان و مانند آن است. شاید توده مردم نتوانند به‌دقت توضیح دهند که مراد آنها از کلمه زمان در این تعابیر و کاربردها دقیقاً چیست؛ ولی نمی‌توان انکار کرد که حدس زدن و استخراج یک مفهوم مشترک از آنها چندان دشوار نیست. رواج یک تلقی اسطوره‌ای یا ماورایی یا فرامادی از زمان در فرهنگ عامه مردم را هم باید در همین‌جا مدنظر قرار داد. تعابیری مانند دست زمان، جبر روزگار، جور زمانه، همراهی و ناهمراهی ایام و جز اینها بازتاب‌دهنده چنین درک عرفی و مردمی از زمان‌اند. مردم همچنین در زیست روزانه خود، به‌ویژه در محیط‌های روستایی، برش‌هایی از زمان روزانه را بر پایه رویدادهای طبیعی مشخص می‌سازند و براین اساس تعابیری مانند هنگام طلوع و قبل از ظهر و بعد از غروب را می‌توان بازتاب‌دهنده این نگاه مردم به زمان دانست.

۱-۲. زمان فلسفی

مسئله زمان از دیرباز بحثی مطرح در میان فلاسفه بوده است و اکنون نیز همچنان یکی از مسائل مهم این شاخه معرفتی به‌شمار می‌رود.^۲ پرسش‌هایی از نوع واقعی بودن یا انتزاعی بودن مفهوم زمان، امروزه نیز به‌عنوان پویاترین حوزه بحث در فلسفه دانشگاهی مطرح است.^۳ رویکردهای فلسفی غربیان به مسئله زمان را به سه رویکرد فلسفی ایدئالیسم (Idealism)، رئالیسم (Realism) و نسبت‌گرایی (Relationism) تقسیم کرده‌اند.^۴ در یک تقسیم‌بندی دیگر برای آرای فیلسوفان درباره زمان، که بیشتر متمرکز بر رویکردهای رایج نزد مسلمانان است، این محورها مدنظر قرار گرفته‌اند: دیدگاه فلسفه مشاء، زمان دهری، نگاه عرفانی، نگاه فلسفی، نگاه کلامی، نگاه اشراقی، نگاه صدرایی.^۵ دیدگاه برگسون درباره زمان و تعریف کردن آن به‌عنوان یک تجربه زیسته که در نسبت با ذهن و آگاهی انسانی معنا می‌یابد و تمایز میان تجربه‌ای سوژکتیو و واقعیتی اژکتیو،^۶ پیدایش تحول کوانتومی جدید و مقوله‌ای به‌نام زمان کوانتومی، و نیازمندی مطالعات فلسفی زمان به مطالعات تجربی زمان، اعم از علوم اعصاب و روان‌شناسی و انسان‌شناسی،^۷ از جمله مباحث تقریباً تازه مربوط به زمان در مباحث فلسفی هستند.

۱. مایکل استفورد، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ص ۳۹۹-۳۰۰.

۲. مایکل لاکس، درآمدی به متافیزیک معاصر، ص ۳۵۵-۳۹۶.

۳. آدریان باردون، تاریخچه فلسفه زمان، ص ۱.

۴. همان، ص ۱۳.

۵. ر.ک: علی عابدی شاهرودی، بررسی مقدماتی تئوری زمان؛ داودین محمود قیصری، نه‌ایة البیان فی معرفة الزمان؛ طوبی کرمانی، زمان در دو نگاه.

۶. العربی میلود، مفهوم الزمان فی فلسفه برغسون، ص ۴۱-۴۷.

۷. آدریان باردون، تاریخچه فلسفه زمان، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۱-۳. مفهوم فیزیکی زمان

زمان در دانش فیزیک به مفهوم یک کمّ قابل اندازه‌گیری است و برخلاف زمان فلسفی، که چگونگی اندازه‌گیری آن در آن چندان مورد اعتنا نیست، مسئلهٔ کانونی زمان در فیزیک، اندازه‌گیری آن است. زمان فیزیکی بر پایهٔ ثانیه و دقیقه و ساعت و اجزا و اضعاف آنها سنجیده می‌شود. پیوند زمان و حرکت (زمان به مثابهٔ اندازهٔ حرکت) موجب بحث‌های دقیقی برای محاسبات مربوط به رابطهٔ زمان با فضا، سرعت، شتاب و مانند آن شده است.^۱ مفاهیمی نوپدید هم در دانش فیزیک معاصر مورد بررسی قرار گرفته است که چه‌بسا همان مفاهیم مورد توجه فیلسوفان هم باشد، مانند امکان فشرده‌گی زمان (به معنای تندتر بودن گذر زمان بر اساس موقعیت‌های مختلف مکانی) و یا امکان تهی شدن یک شیء از زمان. زمان فیزیکی نیز آمیخته با زندگی انسان‌هاست و تصور زندگی بدون زمان فیزیکی، به‌ویژه در دوران معاصر، ناممکن است.

۱-۴. زمان تاریخی

عنصر زمان یکی از مقومات اصلی گریزناپذیر تاریخ است و مورخان دائماً با آن درگیرند. مفهوم زمان در فلسفهٔ نظری تاریخی می‌تواند به مفهوم فلسفی زمان نزدیک شود یا حتی هم‌پوشانی‌هایی با آن داشته باشد؛ اما تردیدی نیست که زمان در فلسفهٔ انتقادی تاریخ، که سروکار مورخان بیشتر با آن است، با زمان موردنظر فیزیک‌دانان و فلسفه‌دانان تفاوت جوهری دارد و بر همین اساس، پرسش‌های اساسی مربوط به زمان، آن‌گونه که نظریه‌پردازان و فیلسوفان تاریخ مطرح کرده‌اند، با پرسش‌های اساسی موردنظر فیزیک‌دانان و فیلسوفان متفاوت است. مورخان با درک فیلسوفانه و فیزیکی از زمان میانه‌ای ندارند؛ شاید به این دلیل که نیازی به آن ندارند. دور از ذهن نیست که برخی از این جملهٔ استنفورد چنین برداشت کنند که مورخان رنج اندیشیدن دربارهٔ چیستی زمان را بر خود هموار نمی‌کنند: «اگر در پاسخ به این سؤال که "زمان چیست؟" خود را درمانده می‌یابی، بدان که در زمرهٔ بزرگان هستی»^۲؛ اما چنین نیست و از دیرباز مورخان مسلمان و غیرمسلمان به این موضوع توجه نشان داده‌اند. طبری در مقدمهٔ بسیار کوتاه خود در کتاب *اخبار الرسل و الملوک* در بحثی با عنوان: «القول فی الزمان؛ ما هو؟» سه مفهوم از زمان، یعنی زمان به معنای ساعات شب و روز، زمان به معنای مدت (خواه بلند و خواه کوتاه) و زمان به معنای هنگامهٔ یک رویداد یاد می‌کند و در توضیح نوع اخیر، که در حقیقت همان مفهوم تاریخی زمان است، می‌افزاید: «و العرب تقول أتیته زمان الحجاج امیر و زمن الحجاج امیر تعنی به إذا الحجاج امیر... ازمان الحجاج امیر فیجمعون الزمان یریدون بذلک ان یجعلوا کل وقت من اوقات أمارته زمانا من الازمنه»^۳ عرب‌زبانان وقتی می‌گویند: «زمانی که حجاج امیر بود، به نزد

۱. هانس سی اوهانیان، اصول فیزیک، ج ۱، ص ۲۲-۲۵.

۲. مایکل استنفورد، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ص ۳۹۵.

۳. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۵-۶.

تو آدمم»، مرادشان آن است که در آن دوره‌ای که حجاج امیر بود، نزد تو آدمم؛ گاهی هم آن را به صورت جمع (ازمان الحجاج امیر) به کار می‌برند و مرادشان هر برشی از زمان امارت اوست.

ابعادی از پیوند مفهوم زمان و تاریخ نزد تاریخ‌نگاران مسلمان، در کتاب *رضوان سلیم* با عنوان *زمان و تاریخ؛ پژوهشی در زمینه تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری اسلامی* آمده است. مؤلف کتاب *المجالیة التاريخية* در بحثی با عنوان «التاریخ کمرادف معنوی للزمن»، سه تقریر متفاوت از کافیحی (۹۷۸ق)، سخاوی (۹۰۲ق) و سیوطی (۹۱۱ق) دربارهٔ ترادف معنوی اصطلاح «تاریخ» با «زمان» گزارش کرده است. بر پایهٔ این گزارش، کافیحی تاریخ را تعیین وقت و دوره‌بندی براساس رویدادهای بزرگ می‌داند (اصالت رویداد)؛ حال آنکه سخاوی تاریخ را ضرورت تعریف دوره‌بندی براساس رویدادهایی می‌داند که مورخ برمی‌گزیند (اصالت مورخ)؛ و سیوطی نیز بر ارتباطی وثیق بین رویداد و زمان تاریخی تأکید کرده است؛ به این معنا که هر زمان خاصی اقتضای یک رویداد مشخص را دارد (اصالت زمان).^۱

نمونه‌هایی که ذکر شدند، شاید برای نشان دادن توجه و اهتمام مورخان به ارائهٔ تعریفی از «زمان» متناسب با نیازهای تاریخ‌پژوهی خود، که البته متفاوت با زمان عرفی و فیزیکی و فلسفی است، بسنده باشد.

۲. ویژگی‌های زمان تاریخی

زمان تاریخی دارای ویژگی‌هایی است که توجه به آنها می‌تواند به نگاهی ژرف‌تر دربارهٔ چیستی آن و تفاوت‌هایش با دیگر فهم‌ها از زمان (زمان فیزیکی و فلسفی) مدد رساند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها را به این شرح می‌توان برشمرد:

- در پیوند با رویداد بودن: زمان تاریخی جدا از یک یا چند رویداد خاص قابل تصور نیست؛ برخلاف زمان فیزیکی و فلسفی که مستقل از رویداد یا در پیوند با مفهوم نوعی رویداد و نه یک رویداد خاص مطرح می‌شوند؛
- آغاز و پایان زمان تاریخی بر پایهٔ یک رویداد مهم؛ همان‌گونه که زمان تاریخی بدون در نظر گرفتن رویداد تاریخی قابل تصور نیست، مشخص ساختن آغاز و پایان یا دوره‌بندی آن نیز براساس رویدادهای تاریخی مهم مشخص می‌شود. شاید معیار مهم بودن یک رویداد یا تطبیق یک معیار مورد توافق بر مصداق‌های مختلف، نزد همهٔ مورخان یکسان نباشد، ولی به‌رحال ایشان با هر معیاری که مورد پسندشان باشد، دوره‌بندی تاریخی را براساس یک رویداد مهم مشخص می‌کنند؛ مثلاً تقسیم تاریخ بشر به عصر سنگ، عصر آهن و عصر ارتباطات، یا تعبیری مانند عصر صفویه و عهد قاجار، یا دورهٔ قحطی و دوران رونق اقتصادی و مانند اینها، همگی با یک رویداد مهم آغاز می‌شوند و با یک رویداد مهم دیگر به‌پایان می‌رسند.

- نداشتن معیار واحد سنجش و اندازه‌گیری: زمان فیزیکی واحد سنجش مشخصی دارد که از ثانیه و اجزای آن آغاز می‌شود و تا قرن و هزاره ادامه می‌یابد. یک زمان فیزیکی، مثلاً آغاز و پایان یک روز هفته، را می‌توان به صورت دقیق و با محاسبهٔ ثانیه‌ها مشخص کرد؛ ولی دوره‌های تاریخی چنین نیستند و به‌دقت زمان فیزیکی

نمی‌توان نقطه آغاز و پایان مثلاً حمله مغول یا خلافت عباسی یا پیروزی انقلاب اسلامی را مشخص کرد. این امر سبب شده است زمان تاریخی از دقتی که در زمان تقویمی و فیزیکی وجود دارد، دور باشد.

- تلقی تکرارپذیر بودن: زمان تاریخی - درست یا نادرست - از نظر برخی مورخان یا کسانی که به‌شکلی با تاریخ سروکار دارند، تکرارپذیر است و به‌باور آنها برخی تجربه‌های تاریخی که با زمان وقوعشان شناخته می‌شوند، مانند عصر نبوی و عصر خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام، تکرار می‌شوند؛ برخلاف زمان فیزیکی و فلسفی که به‌صورت خطی امتداد می‌یابد و تکرار، به‌مفهوم متعارف، در آن بی‌معناست.

- چندگانگی مفهوم و ارزش زمان تاریخی برای افراد مختلف: زمان تقویمی و فیزیکی یک حالت بیشتر ندارد و از آن نمی‌توان بیش از یک برداشت کرد؛ مثلاً بهمن ماه سال ۱۳۵۷ برای کسانی که با تقویم هجری شمسی آشنايند، یک مفهوم بیشتر ندارد؛ ولی زمان تاریخی، مانند ماهی که انقلاب اسلامی در ایران به‌پیروزی رسید، برای افراد مختلف، مثلاً وابسته به رژیم پهلوی یا انقلابیون یا آمریکایی‌ها یا مردم کشورهای همسایه ایران، معانی مختلفی دارد. شاید وجه فردی‌تر زمان تاریخی همان است که به‌قول لمون، معنای «شاعرانه‌تر» زمان است: «اما معنای "شاعرانه‌تر" دیگری برای زمان هست که همه درک می‌کنیم؛ یعنی وقتی به زمان معینی از منظری ملموس‌تر و شخصی‌تر اشاره می‌کنیم؛ احساس آن دوشنبه صبح، آخر هفته، آخر دوره. این به نحوه درک مردم باستان از زمان به‌مثابه قطعات یا بخش‌های متمایز زمان با محتوایی شناخته و مشابه، نزدیک‌تر است»^۱.

آنچه ذکر شد، به این معنا نیست که بین زمان فلسفی و فیزیکی و زمان تاریخی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. مقایسه دقیق مفهوم زمان تاریخی و زمان فیزیکی و آرای صاحب‌نظران در این باره را باید به فرصتی دیگر وانهاد.

۳. مفهوم خط زمان

زمان تاریخی همچون دیگر انواع زمان‌ها مسائل و ابعاد ویژه خود را دارد و مقوله‌ای به‌نام خط زمان (Timeline) را می‌توان از جمله مسائل ویژه زمان تاریخی دانست. خط زمان، که مفهومی نوپدید و به‌صورت فزاینده پرکاربرد است، در پی تحول شگفت فناوری وارد مفاهیم مربوط به اطلاع‌رسانی شده است.

منظور از خط زمان، سازمان‌دهی مهم‌ترین رویدادهای یک بازه زمانی معین بر پایه منطق زمان و بازنمایی یا ارائه منظم گرافیکی یا غیرگرافیکی آنها برای درک بهتر رابطه آن رویدادها با یکدیگر از یک‌سو و مدیریت واکنش خود به آنها از سوی دیگر است. اهمیت این موضوع سبب شده است که توجه به توالی زمان اطلاعات و موضوعات پژوهشی، به یک قالب مهم اطلاع‌رسانی و بخشی جداناپذیر از آن تبدیل شود؛ تا آنجا که گاه در تعریف خط زمان، آن را یک فناوری دیجیتال (Digital Technology) نامیده‌اند و گاهی گفته‌اند که بخشی از یک پایگاه

اطلاع‌رسانی است که فرد با مدیریت خودش ایجاد می‌کند یا ویژه‌کاربر انتخاب می‌شود و در آن، انواع خدمات براساس رعایت توالی زمانی ارائه می‌گردد.^۱ برای هر موضوعی می‌توان یک خط زمان در نظر گرفت؛ یعنی سیر تاریخی وقوع و تحول آن را بر پایه‌ی مقاطع مهم آن گزارش کرد. بنابراین، خط زمان اصولاً در پیوند با دو مفهوم بنیادی «توالی زمانی» و «رویدادهای مهم» هویت و معنا می‌یابد و این دو مفهوم، هر دو به‌گونه‌ای در پیوند با زمان تاریخی‌اند.

امروزه افزون بر اینکه بیشتر موتورهای جست‌وجو گزارشی از نتایج جست‌وجو را نیز به‌صورت خط زمان در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند، پایگاه‌هایی هم ویژه‌ی خط زمان راه‌اندازی شده است. برای مثال، در پایگاه <http://histropedia.com> بیش از سیصد هزار خط زمان در موضوعات مختلف در دسترس است. پایگاه جامع تاریخ به‌نشانی <http://tarikh.inoor.ir> که یک پایگاه ایرانی است، نیز کوششی در این مسیر به‌شمار می‌رود.

۴. مقوله‌ی زمان در قرآن

واژه «زمان» که واژه‌ای عربی است، و نیز دیگر برابرنهادهای آن به دیگر زبان‌ها، در قرآن به‌کار نرفته است؛ اما تعابیر دیگر مرتبط با آن به فراوانی در قرآن به‌چشم می‌خورد. افزون بر صیغه فعل به‌کاررفته در قرآن، که دارای دلالت ضمنی زمانی هستند، دیگر واژه‌های قرآنی دارای دلالت زمانی را در نگاهی کلی می‌توان به شش دسته تقسیم کرد:^۲

۱. واژگان دال بر واحد اندازه‌گیری زمان؛ مانند: یوم و ایام، شهر و شهور، عام، سنه. نام روزهای هفته مانند سبت و جمعه را هم می‌توان در همین‌جا مدنظر قرار داد. این نوع واژگان به‌دلیل دلالت بر مهم‌ترین رکن زمان تاریخی یا همان گاه‌شمار^۳ و تقویم^۴، اهمیت بسیار دارند؛^۵
۲. واژگان دال بر مفهوم مطلق زمان یا برشی از زمان؛ مانند: حین، ساعت، وقت، اجل، عصر، دهر، آن، آناء، مدت و مشتقات آن؛

۱. این تعریف و توضیح برگرفته از اطلاعات پراکنده در تارنماها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و وبگاه‌های گوناگون است که معرفی یکایک آنها بیهوده بر حجم مقاله می‌افزاید، از این‌رو به آنها اشاره نشده است.

۲. برای برهیز از طولانی شدن متن از ذکر نمونه و یا تمام آیات دربردارنده این واژگان صرف‌نظر شده است.

۳. واژه گاه‌شماری در سال ۱۳۱۶ از سوی سیدحسن تقی‌زاده در برابر معرفة المواقیت وضع شد و از آن پس به معنای تقویم هم کاربرد یافت (فرید قاسملو، تقویم و تقویم‌نگاری، ص ۳).

۴. تقویم به معنای دفتر ثبت رویدادهای سال هم به کار رفته و می‌رود. ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم در ابتدای فصلی با عنوان در شناختن تقویم و دفتر سال در این‌باره و نیز در باره وجه تسمیه تقویم چنین آورده است: این دفتر سال بر ماه و سال پارسی کرده همی آید از بهر آسانی و خوبی تقدیر او را نیز تقویم خوانند؛ زیرا که هرچه برابر هر روزی نهاده است اندرو همه راست کرده و درست است (ابوریحان بیرونی خوارزمی، التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، ص ۲۳۳).

۵. ابوالفضل نبی، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، ص ۱۸.

۳. واژگان دال بر تقدم و تأخر زمانی پدیده‌ها و رویدادها؛ مانند: قبل، بعد، اول و آخر و مشتقات آن دو، عقب و مشتقات آن، قدیم، تتری، أمس، غد و غدا؛

۴. قیده‌های دال بر زمان؛ مانند: فور، ابدأ، طرفه عین، لمح بالبصر؛

۵. واژگان دال بر زمان در پیوند با رویدادهای طبیعی؛ مانند: عصر، شفق، فلق، صبح، فجر، نهار، ضحی، لیل و لیلی، یوم و ایام، أهله (جمع هلال)؛

۶. واژگان دال بر افعالی که اگر در فهم و ترجمه آنها مفهوم زمان در نظر گرفته نشود، قابل درک نخواهد بود؛ مانند: عَجَلَ (شتاب کردن) و مشتقات آن، لَبَثَ (درنگ کردن)، تقدم، استقدام (پیش انداختن)، استدرج (تدریجی کردن)، استباق (پیشی جستن)، امهال (فرصت دادن)، اصباح، عُمَر و مشتقات آن، سَبَق و مشتقات آن، خَلَو و مشتقات آن، سَلَف و مشتقات آن؛ و نیز برخی کاربردهای حروفی، مانند: ثَمَّ، فَا، لَمَّ، لَمَّا، لَنْ، سوف، مِّنْ، اِلَى، حتی، فی. به عنوان مثال شتاب کردن یعنی یک کار معین را در زمانی کوتاه‌تر انجام دادن و یا وقتی سوف بر سر فعل می‌آید، یعنی آن فعل در زمان آینده رخ خواهد داد. تمامی کلمات و حروفی که نام برده شد، چنین‌اند.

با وجود بازتاب گسترده مسئله زمان در قرآن، نگاه اولیه به این کتاب حکایتگر عدم پابندی آن به رعایت ضوابط متعارف روایت‌های تاریخی در موضوع زمان است؛ یعنی قرآن، نه در گزارش کل تاریخ، مقید به رعایت تقدم و تأخر زمانی رویدادهاست و نه در بیان جزئیات یک رویداد، چنین نظمی را - جز در مواردی اندک، مانند ماجرای حضرت یوسف علیه السلام در سوره مبارکه یوسف - رعایت کرده است. این نکته کفه ترازو را به نفع مخالفان استناد به قرآن در مطالعات تاریخی سنگین‌تر می‌کند. با وجود این، برای داوری نهایی درباره نگاه قرآن به مسئله زمان، باید ابعاد دیگری از مسئله زمان تاریخی در قرآن را نیز کاوید تا بتوان به یک داوری آگاهانه و منصفانه در این زمینه رسید.

۵. اهتمام قرآن به مسئله خط زمان

یکی از نکات شایسته توجه در چگونگی بازتاب یافتن تاریخ در قرآن، مسئله اهتمام این کتاب آسمانی به توالی زمانی رویدادهاست. با نگاهی به آیات قرآن به آسانی می‌توان به این برداشت رسید که قرآن در قالب‌های مختلفی به توالی زمانی رویدادها اهمیت داده و آن را برجسته کرده است. یک نمونه در این زمینه، بهره‌گیری قرآن از واژگانی است که بر توالی زمانی دلالت دارد؛ مانند واژه «تتری» و «اتباع» (بر وزن امکان) در این آیه شریفه: «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلٌّ مَّا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعَدًا لِّقَوْمٍ أَلْيَوْمِنُونَ» (مؤمنون: ۴۴)؛ سپس فرستادگان خویش را به دنبال هم فرستادیم. هر بار که فرستاده‌ای به نزد امتی آمد، او را تکذیب کردند و ما یکی را به دنبال دیگری قرار دادیم و از آنان تنها سخنی باقی نهادیم. پس دوری باد بر مردمانی که ایمان نمی‌آورند.

واژه «تتری» در این آیه شریفه، از ریشه «وتر» و «تواتر»، در اصل «وتتری» بوده که حرف واو به حرف تاء

مقلوب شده است؛ درست مانند واژه «تقوی» که در اصل «وقوی» بوده است.^۱ این واژه به معنای پیاپی و نیز به معنای دارای زمان نزدیک به هم و متصل به هم، مانند اتصال زه به کمان، است.^۲

نمونه دیگر، واژه «بعد» با ۱۹۹ بار تکرار در قرآن به صورت‌های بعد، بعدک، بعدکم، بعده، بعدها، بعدهم، بعدهن و بعدی^۳ و واژه قبل با ۲۴۲ بار تکرار در قرآن به صورت‌های قبل، قبلک، قبلکم، قبلنا، قبله، قبلها، قبلهم و قبلی^۴ است که تقریباً همه این کاربردها ناظر به توالی زمانی رویدادهای اصلی تاریخی یا جزئیات درون یک رویداد است و از همین رو می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از اهتمام قرآن به خط زمان، مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر تفاوت شیوه بیان رویدادهای تاریخی در قرآن به گونه‌ای است که گویی قرآن برای برخی از آنها اهمیت بیشتری قائل است. به کار گرفتن تعابیری مانند یوم، اذکر، اذکروا، ألم تر، رأیت، هل أتاکم حدیث...^۵ را می‌توان نشانه تأکید قرآن بر اهمیت یک رویداد تاریخی به شمار آورد. حال اگر مجموعه رویدادهایی که قرآن همراه با یکی از این واژگان بیان کرده است، در یک توالی زمانی قرار داده شود، می‌توان متناسب با هریک از آنها یک خط زمان به دست آورد.

یکی از واژه‌هایی که به نظر می‌رسد می‌توان بر پایه آن یک خط زمان دیگر در قرآن را به دست آورد، واژه «إذ» است که ادامه این مقاله به بررسی آن اختصاص یافته است. ناگفته پیداست تکیه بر آیاتی که با کلمه «إذ» آغاز می‌شود، ما را تنها به یکی از خط زمان‌های مورد نظر قرآن می‌رساند و با دیگر ادات و روش‌های تأکید هم می‌توان به نمونه‌های بسیار دیگری از خط زمان دست یافت.

۶. «إذ» و «وإذ»

«إذ» در زبان عربی کاربردهای فراوانی دارد و بر اساس نوع کاربرد و مکان قرار گرفتن آن در جمله، معانی متفاوتی هم می‌یابد.^۶ از نگاه ابن هشام/انصاری (۷۶۱ق) در *معنی اللیب عن کتب الاعراب*، «إذ» بر چهار وجه است:^۷

الف) اسم برای زمان گذشته، که خود چهار کاربرد دارد:

- ظرف که بیشترین کاربرد آن است؛

- مفعول به؛

- بدل مفعول؛

۱. عبدالله بن مسلم این قتیبه، تفسیر غریب القرآن، ص ۲۵۴.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۷۲.

۳. محمد فواد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص ۱۲۵-۱۲۸.

۴. همان، ص ۵۳۰-۵۳۳.

۵. برای پرهیز از طولانی شدن متن از ذکر نمونه و یا تمام آیات در بردارنده این واژگان صرف نظر شده است.

۶. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۵۸-۵۹.

۷. عبدالله بن یوسف ابن هشام، معنی الادیب عن کتاب الاعراب، ص ۱۶-۲۰.

- مضافاً به اسم زمان؛

ب) اسم برای زمان آینده، مانند یومئذ؛

ج) تعلیل؛

د) مفاجا.

موضوع بحث ما حالت دوم از حالت‌های چهارگانه «إذ» به‌عنوان ظرف، یعنی «مفعول به» است؛ یعنی همان که در قرآن هم گاه مستقلاً و گاه همراه با حرف استیناف واو به‌کار رفته است و بیشتر مترجمان قرآن این تعبیر ترکیبی را به‌صورت «و به‌یاد آور» ترجمه کرده‌اند.

۷. فرازهای تاریخی مورد اشاره در آیات «إذ» و «و إذ»

از مجموع ۲۱۹ کاربرد کلمه «إذ» در قرآن، ۸۶ مورد آن مربوط به رویداد تاریخی است که همان‌ها مبنای بررسی در این مقاله قرار گرفته‌اند. از این ۸۶ کاربرد، ۲۷ مورد آن همراه با حرف واو، یعنی به‌صورت «و إذ» و ۵۹ مورد بدون حرف واو به‌کار رفته است.

نگاهی به مضمون آیات که در جدول اکسل به‌تفصیل بررسی شده‌اند،^۱ نشان می‌دهد که فرازهای تاریخی مورد تأکید در این آیات، با تکیه بر فرد یا گروه اصلی نقش‌آفرین در آن (به‌ترتیب الفبا) و مقطع زمانی فراز و نیز فراوانی آیات مرتبط با آن، چنین است:

جدول ۱: فرازهای تاریخی بر پایه «إذ» و «و إذ» به‌ترتیب حروف الفبا

ردیف	فراز تاریخی	فراوانی آیات	جمع
۱	آدم ﷺ	۵	۱۹
۲	ابراهیم ﷺ	۱۱	۱۱
۳	اصحاب کهف	۱	۱۲
۴	الذین اوتوا الكتاب	۱	۱۳
۵	الیاس ﷺ	۱	۱۴
۶	بنی اسرائیل	۱۶	۳۵
۷	بنی آدم	۱	۳۶
۸	سلیمان ﷺ	۱	۳۹
۹	عیسی ﷺ	۹	۴۸
۱۰	قوم عاد و ثمود	۱	۴۹
۱۱	لقمان	۱	۵۰
۱۲	لوط ﷺ	۱	۵۱
۱۳	نبتین	۲	۲۸
۱۴	محمد ﷺ	۲۱	۷۲
۱۵	موسی ﷺ	۱۱	۸۳
۱۶	یوسف ﷺ	۲	۸۵
۱۷	یونس ﷺ	۱	۸۶

۱. برای پرهیز از طولانی شدن متن از آوردن جداول دربردارنده آیات صرف‌نظر شده است.

خط زمان در قرآن؛ بررسی موردی «إذ» و «وإذ» ❖ ۵۷

حال اگر مقطع زمانی این فرازها پس از ویرایش مختصر عناوین آنها مشخص شود و سپس مجموعه آنها بر پایه توالی زمانی نظم یابد، جدول (۲) به دست می آید. یادآور می شود که سه واژه «بنی آدم»، «الذین اوتوا الكتاب»، «نبیین» (پیامبران)، هرچند به یک دوره زمانی خاص ارتباط نمی یابند، به دلیل فراگیر بودن، در ابتدای این زنجیره تاریخی و پس از برش مربوط به حضرت آدم علیه السلام آورده شده اند.

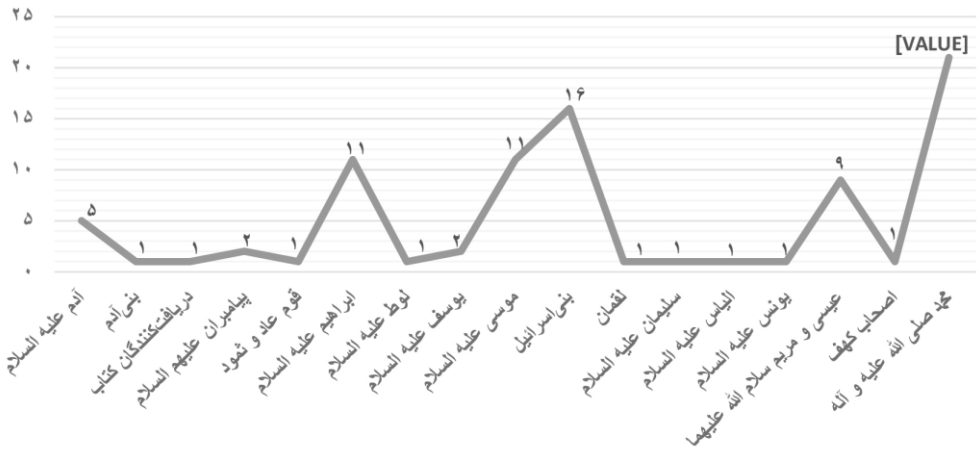
جدول ۲: فرازهای تاریخی بر پایه «إذ» و «وإذ» به ترتیب توالی زمانی

ردیف	فراز	مقطع زمانی	فراوانی آیات
۱	آدم <small>علیه السلام</small>	سده ۰ ق م	۵
۲	بنی آدم	فراگیر	۱
۳	دریافت کنندگان کتاب	فراتر از پیامبران و پیروانشان	۱
۴	پیامبران <small>علیهم السلام</small>	فراتر از یکایک پیامبران	۲
۵	قوم عاد و ثمود	پیش از ابراهیم <small>علیه السلام</small>	۱
۶	ابراهیم <small>علیه السلام</small>	سده ۲۰ ق م	۱۱
۷	لوط <small>علیه السلام</small>	معاصر ابراهیم <small>علیه السلام</small>	۱
۸	یوسف <small>علیه السلام</small>	سده ۱۷ ق م	۲
۹	موسی <small>علیه السلام</small>	سده ۱۳ ق م	۱۱
۱۰	بنی اسرائیل	سده ۱۳ ق م و پس از آن	۱۶
۱۱	لقمان	معاصر داود <small>علیه السلام</small>	۱
۱۲	سلیمان <small>علیه السلام</small>	سده ۹ ق م	۱
۱۳	الیاس <small>علیه السلام</small>	سده ۹ ق م	۱
۱۴	یونس <small>علیه السلام</small>	سده ۸ ق م	۱
۱۵	عیسی و مریم <small>علیهم السلام</small>	مبدأ تاریخ مسیحی	۹
۱۶	اصحاب کهف	سده ۳ م	۱
۱۷	محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	سده ۶ و ۷ م	۲۱

حال اگر اطلاعات این جدول در قالب یک خط زمان و یک نمودار (بر پایه فراوانی آیات) به نمایش گذاشته شود، به دو تصویر زیر می توان دست یافت:



نمودار ۱: خط زمان فرازهای مهم تاریخ بر پایه «إذ» و «وإذ»



نمودار ۲: نمودار فراوانی آیات قرآن در خط زمان فرازهای مهم تاریخ بر پایه «ذ» و «و»

این دو نمودار، در حقیقت نشان دهنده خط زمان موردنظر قرآن بر پایه رویدادهای مهمی است که خداوند متعال با بهره جستن از کلمه «ذ» و «و» آنها را برجسته و پررنگ کرده و مخاطبان وحی را به زنده نگاه داشتن یاد آن و به یاد آوردن همیشگی آن تشویق نموده است.

۸. بررسی کوتاه فرازهای اصلی خط زمان «ذ» و «و»

در این بررسی، تنها همان آیاتی که با «ذ» یا «و» آغاز می‌شوند، مدنظر بوده‌اند و آیات معطوف به این آیات، که از نظر محتوایی دنباله آن به‌شمار می‌روند، برای رعایت حجم مقاله کنار گذاشته شده‌اند. روشن است که در یک بررسی کامل‌تر، آیات معطوف هم باید واکاوی و محورهای آن استخراج و دسته‌بندی شوند.

۸.۱. فراز نخست: آدم

در پنج آیه مربوط به حضرت آدم علیه السلام که همگی مصدر به حرف واو و در سوره‌های مکی‌اند، شاید بتوان حرف واو را عاطفه (در برابر استینافیه) و «ذ» را هم به‌معنای ظرف (هنگامی که) (در برابر مفعول فعل محذوف «به‌باد آورید») شمرد که در این صورت، از دایره استناد بحث ما خارج می‌شود. بنابراین با فرض حالت دوم، آنچه درباره این مقطع پیشاتاریخ و با محوریت حضرت آدم علیه السلام مورد تأکید قرآن قرار گرفته، عبارت است از دو موضوع بسیار مهم سخن خداوند خطاب به فرشتگان مبنی بر آفریدن بشری از سفالی خشک از لجنی بدبو (حجر: ۲۸) یا از گل (ص: ۷۱) و نیز سخن خداوند خطاب به فرشتگان برای سجده بردن بر آدم علیه السلام و سرپیچی کردن ابلیس از این فرمان (اسراء: ۶۱؛ کهف: ۵۰؛ طه: ۱۱۶). در میان دیدگاه‌های مختلف درباره زمان زیست آدم علیه السلام، در این نوشتار دیدگاه علامه طباطبائی که زمان حیات آدم علیه السلام را هفت هزار سال پیش از این دانسته^۱، مبنا قرار گرفته است.

۸۲. فراز دوم: بنی آدم

آیه شریفه ۱۷۱ سوره مبارکه مکی «اعراف» که با «و إذ» آغاز می‌شود، در بیانی که همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد، به عهد و میثاقی که خداوند از بنی آدم گرفته است، اشاره دارد.

۸۳. فراز سوم: دریافت‌کنندگان کتاب

آیه ۱۸۷ سوره مدنی «آل عمران» نیز که شاید کلمه «و إذ» در آن به معنای ظرف زمان و متفاوت با موضوع بحث ما باشد، با فرض مربوط بودن، به دریافت‌کنندگان کتاب (الذین اوتوا الكتاب) و میثاقی که خداوند از آنها گرفته است، اشاره دارد. ظاهراً این آیه به عامه اهل کتاب یا یهودیان و مسیحیان یا بنی اسرائیل اشاره دارد که برخی از آنها به این میثاق الهی پایبند نبودند و به دلیل همین ابهام درباره مصداق آن و نیز ابهام درباره زمان اخذ میثاق، براساس معیاری که ذکر شد، در ابتدای این زنجیره و پس از بنی آدم قرار گرفت. این آیه مدنی مربوط به عامه اهل کتاب است و شاید مراد از آن، پیامبران باشد؛ به‌رحال اخص از بنی آدم است. درباره اخذ میثاق و ابعاد آن و زمان آن ابهاماتی وجود دارد که در جای خود باید بررسی شود.

۸۴. فراز چهارم: پیامبران در نگاهی کلی

آیات ۸۱ و ۷ دو سوره مدنی «آل عمران» و «احزاب» هم که تعبیر «و إذ» در آن را می‌توان به دو وجه مختلف تفسیر کرد، بر فرض اینکه به معنای موردنظر ما در این نوشتار باشند، درباره پیامبران (نبیین) در نگاهی کلی و اخذ میثاق از آنها سخن می‌گوید. در این آیه و دیگر آیاتی که از اخذ عهد و میثاق سخن به میان آمده است، اگر زمان این اخذ، عالم ذر باشد، آیه از جرگه آیات دارای دلالت تاریخی خارج می‌شود و در چنین بحث‌هایی قابل استناد نخواهد بود؛ مگر اینکه پیامدهای این جهانی آن مدنظر قرار گیرد.

۸۵. فراز پنجم: قوم عاد و ثمود

پنجمین فراز خط زمان موردنظر قرآن با تکیه بر کلمه «إذ» به برش زمانی زیست قوم عاد و ثمود برمی‌گردد. تاریخ دقیق زندگی و پریشانی این دو قوم معلوم نیست. برخی آنها را مربوط به فاصله زمانی بین قرن هشتم تا قرن دوم پیش از میلاد می‌دانند؛ اما بر پایه منابع اسلامی که زمان نبوت حضرت صالح علیه السلام را مقدم بر پیامبری حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانند، زمان زندگی این دو قوم را باید قبل از سده بیستم پیش از میلاد دانست.^۱ به قرینه آیات قبل و بعد آیه ۱۴ سوره مبارکه «فصلت»، این آیه شریفه مربوط به قوم عاد و ثمود است و کلمه «إذ» در ابتدای این آیه می‌تواند هم ظرف زمان برای مفاد ذیل آیه ۱۳ باشد و هم به معنای موردنظر ما؛ و در حالت اخیر، خداوند متعال پیام پیامبران برانگیخته شده برای این دو قوم را دوری جستن از عبادت غیر خدا بیان کرده است که آنها نیز با این استدلال که خداوند اگر می‌خواست پیامی بفرستد، آن را به‌دست فرشتگان فرومی‌فرستاد، از پیامبران روی برتافتند.

۱. آذرتاش آذرنوش، نگاهی به تاریخ قوم ثمود، ص ۳۴-۳۶؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۲۱۶؛ علی‌بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۱۷۰.

۸۶. فراز ششم: ابراهیم

حضرت ابراهیم علیه السلام که در سده ۲۰ ق.م / ۱۹۹۶ ق.م می‌زیست،^۱ موضوع ششمین فراز اتصال خط زمان بر پایه «إذ» و «و إذ» است که در یازده آیه از آیات قرآن در سوره‌های مکی انعام (آیه ۷۴)، ابراهیم (آیه ۳۵)، زخرف (آیه ۲۶)، صافات (آیات ۸۵ و ۸۴) و دو سوره مدنی بقره (آیات ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷ و ۲۶۰) و حج (آیه ۲۶) انعکاس یافته است. درباره آیه ۱۲۴ سوره مبارکه «بقره» نیز این احتمال وجود دارد که کلمه «إذ» در آن به مفهوم مفعول «اذکروا» می‌محذوف نباشد. موضوعات مرتبط با حضرت ابراهیم علیه السلام چنین است: آزمایش آن حضرت؛ ساختن کعبه و مصلی قرار گرفتن مقام ابراهیم علیه السلام و گرفتن عهد از ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام برای پاکیزه نگاه داشتن خانه خدا؛ درخواست ابراهیم علیه السلام از خداوند برای امن و رزق ساکنان مکه؛ درخواست ابراهیم علیه السلام برای بردن به چگونگی زنده کردن مردگان؛ گفت‌وگوی ابراهیم علیه السلام با آزر و قوم خود در نکوهش بت‌پرستی؛ و روبه‌رو شدن ابراهیم علیه السلام با قلب سلیم با پروردگار. به عبارت دیگر، خداوند متعال با به کارگیری کلمه «إذ»، به مؤمنان توصیه کرده است که نکات پیش گفته را درباره حضرت ابراهیم علیه السلام همواره مدنظر داشته باشند.

۸۷. فراز هفتم: حضرت لوط

هفتمین فراز خط زمان مبتنی بر «إذ» در قرآن کریم، مربوط به حضرت لوط علیه السلام است که هم‌عصر ابراهیم علیه السلام یعنی سده بیستم پیش از میلاد بوده است. در آیه ۱۳۴ سوره مبارکه «صافات»، خداوند نجات دادن او و خانواده‌اش را مورد توجه قرار داده است. آیات هم‌سیاق قبل و بعد این آیه شریفه به خوبی نشان می‌دهند که نمی‌توان «إذ» را در این آیه به معنای ظرف زمان گرفت و حتماً به معنای «اذکروا» است.

۸۸. فراز هشتم: یوسف

زمان حیات حضرت یوسف علیه السلام برحسب پاره‌ای از منابع، سده هفدهم پیش از میلاد،^۲ بین ۵۵۶ تا ۵۲۹ ق.م است. در دو آیه شریفه سوره مبارکه «یوسف» (آیات ۸۰ و ۸۱) دو برش از زندگی او، یعنی آغاز تعریف کردن رؤیای سجده بردن خورشید و ماه بر او برای پدرش و سخن برادران او درباره گمراه بودن پدرشان به دلیل محبت بیشتر به یوسف علیه السلام، با کلمه «إذ» به عنوان یکی از نقاط خط زمان برجسته شده است. بسیاری از مترجمان کلمه «إذ» در آیه هشتم سوره «یوسف» را به معنای به خاطر آوردن دانسته‌اند. با این حال این احتمال که به معنای ظرف زمان گذشته باشد، دور از ذهن نیست.

۱. صادق سجادی، مدخل ابراهیم، ص ۴۹۹، ذیل مدخل ابراهیم خلیل علیه السلام و برای آگاهی از دیدگاه‌های دیگر، ر. ک: محمد بیومی مهران، بررسی تاریخی قصص قرآن، ج ۴.

حضرت موسی علیه السلام در سده ۱۳ ق.م می‌زیست. ^۱ حجم آیات قرآن درباره این پیامبر خدا به طرز چشمگیری بیش از دیگر پیامبران است. هشتمین فراز خط زمان بر پایه «إذ» به این پیامبر اختصاص یافته است و یازده آیه قرآن که جز یک آیه همگی مصدر به حرف واوند، با پرداختن به موضوعات زیر که برخی از مهم‌ترین مسائل زندگی حضرت موسی علیه السلام را دربرمی‌گیرند، به ابعاد مختلف این فراز از خط زمان اشاره کرده‌اند: میقات چهل شبانه حضرت موسی علیه السلام و روی آوردن قوم او به گوساله‌پرستی؛ دادن کتاب و فرقان به موسی علیه السلام؛ نکویش قوم موسی علیه السلام از سوی او به سبب روی آوردن به گوساله‌پرستی؛ فرمان موسی علیه السلام به قوم خود برای ورود به یک آبادی؛ درخواست آب از سوی موسی علیه السلام برای قوم خویش و جاری شدن آب از اصابت عصای او به یک تخته‌سنگ؛ فرمان موسی علیه السلام به قوم خود برای ذبح کردن یک گاو و واکنش آنها؛ یادآوری نعمت‌های خداوند به قوم موسی علیه السلام از سوی وی؛ نجات یافتن از دست فرعون و ستم‌هایی که به بنی‌اسرائیل می‌کرد؛ اعلام پیامدهای شکرورزی و کفرورزی در برابر نعمت‌ها از سوی خداوند به قوم موسی علیه السلام؛ سخن موسی علیه السلام به غلام خویش درباره عزم خود برای رسیدن به مجمع‌البحرین؛ فراخوانده شدن موسی علیه السلام از سوی خداوند برای رفتن به سراغ ستمگران؛ سخن موسی با خانواده خود درباره آوردن شعله آخگر.

از این یازده آیه، پنج آیه در سوره مبارکه «بقره» و یک آیه در هریک از سوره‌های «مائده»، «ابراهیم»، «کهف»، «شعراء»، «نمل» و «صف» قرار دارد. سه سوره مبارکه «بقره» و «مائده» و «صف»، مدنی‌اند و چهار سوره «ابراهیم»، «کهف»، «شعراء» و «نمل» مکی‌اند. آیات مکی مربوط به حضرت موسی علیه السلام عبارت‌اند از: ابراهیم: ۶؛ کهف: ۶۰؛ شعراء: ۱۰؛ و نمل: ۷؛ و آیات مدنی نیز عبارت‌اند از: بقره: ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۰ و ۶۷؛ مائده: ۲۰؛ و صف: ۵.

۸۱۰. فراز دهم: بنی‌اسرائیل

بنی‌اسرائیل در یک بازه زمانی طولانی می‌زیسته‌اند؛ ولی رویدادهای مربوط به این قوم که در قرآن ذکر آن رفته است، ظاهراً همگی به مرحله حیات موسی علیه السلام و پس از حیات وی تعلق دارد. براین اساس نهمین فراز خط زمان را می‌توان به این قوم اختصاص داد. آیات مربوط به بنی‌اسرائیل که همگی با کلمه «وإذ» آغاز شده‌اند، در سه سوره بقره، آیات ۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۶۳، ۷۲، ۸۳، ۸۴ و ۹۳، اعراف، آیات ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۷ و ۱۷۱ و ابراهیم، آیه ۷ قرار دارند و در آنها این موضوعات مورد توجه قرار گرفته‌اند:

نجات یافتن از چنگ آل فرعون، که سخت‌ترین شکنجه‌ها را بر آنها روا می‌داشتند و پسران آنها را می‌کشتند و زناشان را زنده نگاه می‌داشتند؛ شکافته شدن نیل و نجات بنی‌اسرائیل و غرق شدن آل فرعون؛ درخواست قوم موسی علیه السلام برای دیدن آشکار خدا و دچار شدن آنها به صاعقه؛ فرمان خداوند به آنها برای ورود به یک آبادی و خوردن به خوشی و فراوانی در آن و پوزش خواستن؛ سر باز زدن قوم موسی علیه السلام از بسنده کردن به یک خوراکی و

دچار شدن آنها به خواری و درماندگی؛ اخذ میثاق از قوم موسی علیه السلام؛ افراشته شدن کوه طور بر سر آنها و جزئیات مربوط به آن؛ کشته شدن یک نفر به دست اطرافیان موسی علیه السلام و نزاع دربارهٔ عامل آن؛ اخذ میثاق از بنی اسرائیل و مفاد آن میثاق (ده فرمان)؛ سرشته شدن مهر یک گوساله در دل آنها؛ هلاک و نابود شدن قوم موسی علیه السلام یا شکنجه شدن شدید آنها؛ خرده‌گیری به پند دادن اصحاب‌اللبت؛ سوگند خداوند برای چشاندن بدترین رنج‌ها به گروهی از بنی اسرائیل؛ اعلام این سنت از سوی خداوند به آنها که اگر شکر کنند، خداوند بر نعمت‌هایشان بیفزاید و اگر کفر ورزند، آنها را به رنجی سخت بیفکند.

مضمون برخی از محورهایی که در اینجا ذکر شدند، با آنچه دربارهٔ خود موسی علیه السلام ذکر شد، یکسان است؛ ولی با توجه به تفاوت خطابات و گزاره‌های قرآنی، در دو بخش مجزا از هم، یعنی یک جا با محوریت حضرت موسی علیه السلام و جای دیگر با محوریت بنی اسرائیل، در نظر گرفته شده است.

۸-۱۱. فراز یازدهم: لقمان علیه السلام

دربارهٔ زمان زیست لقمان علیه السلام اطلاع دقیقی در دست نیست و قلمرو احتمالی هزار تا پانصد سال قبل از میلاد را برای او در نظر گرفته‌اند.^۱ در آیهٔ ۱۳ سورهٔ مبارکهٔ «لقمان»، موعظهٔ لقمان علیه السلام به فرزندش برای شرک نوزیدن به خدا با کلمهٔ «و اذ» بیان شده است.

۸-۱۲. فراز دوازدهم: حضرت سلیمان علیه السلام

حضرت سلیمان علیه السلام در حدود سدهٔ نهم پیش از میلاد می‌زیست.^۲ آیهٔ ۳۱ سورهٔ مبارکهٔ «ص»، که البته احتمال می‌رود کلمهٔ «اذ» در آن ظرف زمان باشد، به عرضه شدن اسب‌های نیکو به هنگام شامگاه به او اشاره کرده است؛ اما اگر کلمهٔ «اذ» به‌عنوان مفعول برای فعل حذف‌شدهٔ «به‌یاد آورید» در نظر گرفته شود، می‌توان گفت خداوند خواسته است که این موضوع همواره در ذهن مؤمنان بماند.

۸-۱۳. فراز سیزدهم: حضرت الیاس علیه السلام

ظاهراً حضرت الیاس علیه السلام نیز در قرن نهم قبل از میلاد می‌زیسته است.^۳ در آیهٔ ۱۲۴ سورهٔ مبارکهٔ «صافات»، با فرض اینکه کلمهٔ «اذ» را به‌معنای موردنظر این نوشتار بدانیم، پرسش وی از مردمان جامعه‌اش برای چرایی تقوا نداشتن، به‌عنوان یک فراز در خط زمان برجسته شده است.

۱. برای اقوال مختلف در باره او ر.ک: عبدالله موحی، بررسی شخصیت تاریخی لقمان حکیم؛ و برای دیدگاه‌ها مربوط به هم‌عصر بودن او با حضرت داود علیه السلام ر.ک: اسماعیل‌بن

عمر ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۱۲۳؛ عبدالرحمن‌بن ابی‌بکر سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۱۶۱.

۲. محمد خزائی، اعلام قرآن، ص ۳۸۶.

۳. محمد بیومی‌مهران، بررسی تاریخی قصص قرآن، ج ۳، ص ۲۱۰.

۸-۱۴. فراز چهاردهم: حضرت یونس

با این فرض که حضرت یونس در قرن هشتم پیش از میلاد می‌زیسته است^۱ و با این فرض که کلمه «إذ» در آیه شریفه ۱۴۰ سوره مبارکه «صافات» به معنای ظرف زمان نباشد، شتابان رفتن او به سوی کشتی پر از جمعیت، به عنوان یک فراز از خط زمان مورد توجه قرار گرفته است.

۸-۱۵. فراز پانزدهم: حضرت عیسی و مریم

بر پایه تقویم میلادی، زمان حیات حضرت عیسی خود مبدأ تاریخ است. در شش آیه قرآن (آل عمران: ۵۵؛ مائده: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۱۶؛ و صف: ۶) مباحث مربوط به آن حضرت و در سه آیه ۳۵، ۴۲ و ۴۵ از سوره «آل عمران»، مباحث مربوط به حضرت مریم عذراء همراه با حرف «إذ» یا «وإذ» یاد شده است. این آیات همه در سوره‌های مدنی قرار دارند و چهار آیه آل عمران: ۴۲، مائده: ۱۱۱ و ۱۱۶ و صف: ۶ یا «وإذ» و دیگر آیات با «إذ» آغاز شده‌اند. موضوعات مربوط به حضرت مریم عبارت‌اند از: مناجات مادر مریم با خداوند برای نذر کردن فرزند در رحم خود؛ سخن گفتن فرشتگان با مریم و دادن بشارت برگزیدگی او؛ و سخن گفتن فرشتگان با مریم و دادن بشارت کلمه‌ای به نام مسیح.

درباره خود حضرت عیسی هم این نکات در آیات پیش گفته بیان شده است: سخن گفتن خداوند با عیسی و بیان داشتن آنچه قرار است در آینده برای او انجام شود؛ سخن گفتن خداوند با عیسی و یادآور شدن نعمتی که به او و مادرش داده است، به ویژه سخن گفتن در گهواره و فراگرفتن کتاب و حکمت و آفریدن پرنده از گل به اذن خدا و بهبود بخشیدن کوران مادرزاد و دارندگان بیماری پیسی؛ وحی خداوند به حواریون برای ایمان آوردن به او و فرستادش؛ سخن حواریون با عیسی و پرسش درباره توانایی خدا برای فروفرستادن سفره آسمانی؛ گفت‌وگو بین خداوند و عیسی درباره اینکه آیا عیسی مردم را به پرستش خود و مادرش فراخوانده است یا نه؛ خطاب عیسی به بنی اسرائیل برای خبر دادن رسالت خود و رسالت پیامبر پس از خود.

۸-۱۶. فراز شانزدهم: اصحاب کهف

فاصله زمانی حضرت عیسی تا عصر پیامبر خاتم، به تعبیر قرآن، دوره «فترة من الرسل» (مائده: ۱۹) است و هیچ پیامبری در این فاصله برانگیخته نشده است. برخی زمان زیست اصحاب کهف را پیش از حضرت عیسی و زمان بیدار شدن آنها را پس از آن حضرت دانسته‌اند؛^۲ ولی اگر براساس رأی مشهور، بازه زمانی اصحاب کهف اول قرن سوم تا قرن شش میلادی باشد (Britanica, Seven Sleepers of Ephesus)، فراز شانزدهم و ماقبل آخر

۱. همان، ج ۴، ص ۱۷۰.

۲. فرامرز حاج‌موجهری، مدخل اصحاب کهف، ص ۱۴۳.

خط زمان قرآن بر پایه کلمه «إذ»، براساس آیه ۱۰ سورة «كهف»، به موضوع پناه بردن اصحاب كهف به غار و دعایشان نزد پروردگار اختصاص یافته است.

۸۱۷. فراز هفدهم: حضرت محمد ﷺ

هفدهمین و آخرین فراز در خط زمان بر پایه کلمه «إذ» و «و إذ»، با ۲۱ آیه به پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ (۵۷۱-۶۳۲م) اختصاص دارد. این آیات در نه سوره برای بیان بخشی از مسائل تاریخی مربوط به زندگی خانوادگی یا اجتماعی آن حضرت به کار رفته‌اند. پراکندگی این آیات، صرف نظر از آیاتی که به آنها عطف شده است و صرف نظر از مواردی که احتمال دارد کلمه «إذ» و «و إذ» به معنای «هنگامی که» باشد، چنین است: چهار آیه در سوره آل عمران (آیات ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴ و ۱۵۳)؛ یازده آیه در سوره انفال (آیات ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۳۰، ۳۲، ۴۲، ۴۳، ۴۴ و ۴۸) و یک آیه در هریک از سوره‌های اسراء (آیه ۶۰)، نور (آیه ۱۵)، احزاب (آیه ۳۷)، احقاف (آیه ۲۹)، فتح (آیه ۲۶) و تحریم (آیه ۳). بجز دو سوره «اسراء» و «احقاف»، بقیه سوره‌ها مدنی هستند. سوره‌های مدنی شامل شش سوره آل عمران (۴ آیه) و انفال (۱۱ آیه) و نور و احزاب و فتح و تحریم است.

رویدادهایی که در این ۲۱ آیه مورد توجه قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: خروج صبح‌هنگام و گماردن مؤمنان در نقاط ویژه برای جنگ در غزوه احد؛ هراس به دل راه دادن دو گروه از اطرافیان پیامبر ﷺ در غزوه احد؛ خبر دادن پیامبر ﷺ به مؤمنان درباره امدادسانی سه هزار فرشته؛ از کوه بالا رفتن مسلمانان در پی شکست در غزوه احد و صدا کردن آنها از سوی پیامبر ﷺ و اندوه آنان از به دست نیامدن غنایم؛ وعده خداوند به یکی از دو چیز در آستانه غزوه بدر و میل مسلمانان به آنچه بی‌زحمت به دست می‌آمد؛ کمک خواستن مسلمانان در غزوه بدر از خداوند و پذیرش آن از راه اعزام یک هزار فرشته به دنبال هم؛ دچار چرت شدن مسلمانان در غزوه بدر و فرو ریختن باران از آسمان و پیامدهای مثبت آن؛ فرمان خداوند به فرشتگان در غزوه بدر برای استوار داشتن مسلمانان و هراس افکندن در دل کافران و سر از تن آنها جدا کردن؛ نیرنگ کافران برای در بند کشیدن یا کشتن یا بیرون راندن پیامبر ﷺ؛ خواسته دشمنان پیامبر ﷺ مبنی بر اینکه اگر او به‌راستی برحق است، خداوند بارانی از سنگ بر سر آنان ببارد؛ چگونگی رویارویی با مشرکان در غزوه بدر؛ کوچک نشان داده شدن مشرکان در غزوه بدر در خواب و بیداری؛ آراسته شدن کارهای کافران دشمن پیامبر ﷺ از سوی شیطان؛ تهمت منافقان و بیماردلان به مسلمانان مبنی بر اینکه فریفته دین خویش هستند؛ سخن خداوند درباره رؤیای پیامبر ﷺ و درخت نفرین شده در قرآن؛ بر زبان آوردن آنچه مسلمانان به آن آگاهی نداشتند در ماجرای افک؛ سخن پیامبر ﷺ خطاب به زید و توصیه به طلاق ندادن همسرش و سرانجام به همسری پیامبر ﷺ درآمدن زینب؛ دیدار گروهی از جنیان با پیامبر ﷺ؛ حمیت جاهلی کافران و نزول آرامش الهی بر پیامبر ﷺ و مؤمنان در صلح حدیبیه؛ آشکار ساختن سخن پنهان پیامبر ﷺ از سوی یکی از همسران وی و دنباله‌های آن.

آنچه گذشت، درآمدی پیشنهادی برای یکی از روش‌های خوانش تاریخی قرآن بود. این پیشنهاد پس از مقدمه‌ای درباره‌ی موضوع بحث و توضیح درباره‌ی چهار نوع تلقی از زمان و ویژگی‌های زمان تاریخی بر پایه‌ی تعریف خط زمان سامان یافت. مقاله به دنبال گزارشی از مقوله‌ی زمان و روش‌های شش‌گانه‌ی بازتاب یافتن آن در قرآن، اهتمام قرآن به مسئله‌ی خط زمان را برجسته ساخت و آنگاه با بیان مفهوم «إِذْ» و کاربردهای آن در زبان عربی، یکی از کاربردهای آن، یعنی ظرف در جایگاه مفعول به را به‌منزله‌ی یک قالب برای معرفی برخی رویدادهای مهم تاریخی در قرآن مورد توجه قرار داد. براین اساس در ۸۶ آیه‌ی منتخب، هفده فراز تاریخی شناسایی شد و خط زمان و نمودار فراوانی آیات هریک از فرازها تدوین گشت.

این خط زمان که تنها براساس آیات تاریخی دارای یکی از دو کلمه «إِذْ» و «وَأِذْ» تدوین شده است، مخاطبان قرآن را به تاریخی دیدن پدیده‌ها، که متون و منابع تأکیدی فراوان بر آن دارند، فرامی‌خواند؛ اما آورده‌های دیگری هم دارد. از منظر فلسفه‌ی انتقادی تاریخ، استخراج این خط زمان، در حقیقت گزارش یکی از گونه‌های روایت تاریخی در قرآن است که در کنار روش‌های شناخته‌شده، باید مدنظر قرار گیرد و با الهام از آن، دیگر گونه‌های روایت و ترسیم خط زمان، مثلاً بر پایه‌ی کاربرد تعابیری مانند «أرأیت» و «ألم یأتکم» و... می‌تواند شناسایی و تدوین شود. این مطالعات و پژوهش‌ها برای نشان دادن چگونگی بهره‌گیری از منبع وحی برای پیشنهاد گونه‌ای نو از تاریخ‌نگاری می‌تواند بسیار سودمند باشد.

گام‌های بعدی برای تکمیل این نوشتار را باید به مجال دیگری وانهاد؛ از جمله مقایسه‌ی شکلی و محتوایی آیاتی که با «إِذْ» و آیاتی که با «وَأِذْ» آغاز شده‌اند، که شاید به کشف پیام‌های تفاوت در کاربرد این کلمه بینجامد. همچنین چرایی این شیوه‌ی بیان از سوی خداوند و تحلیل ژرف محتوای آیات هریک از فرازها و مضامینی که در آنها مورد توجه قرار گرفته‌اند، نیازمند پژوهشی تکمیلی است. روشن است که سامان دادن این آیات بر پایه‌ی زمان، به‌مفهوم اهمیت ذاتی این برش‌های زمانی نیست؛ بلکه به اهمیت رویدادهایی است که در این فرازها به‌وقوع پیوسته است. این خط زمان، تنها یک خط مستقیم آینده و شونده نیست؛ بلکه چه‌بسا نشانه‌ی سیر تکامل بشر بر پایه‌ی حرکت انبیاء و به‌عبارت‌دیگر نقاط عطف تاریخ باشد، نه نقاطی برای ایستادن. بنا بر این استخراج پیام‌های فردی، اجتماعی و تمدنی نهفته در آیات مربوط به هریک از این فرازها، سنجش جایگاه آنها در فرایند تکاملی تاریخ بشر گام دیگری است که در فرصتی دیگر باید برداشته شود. افزون‌براین، شناخت سنت‌هایی که خداوند ذیل گزارش این رویدادها بیان کرده است، قطعاً می‌تواند وجهی دیگر از سودمندی این خط زمان را برای ما بشناساند.

منابع

- آذرتاش، آذرنوش، «نگاهی به تاریخ قوم ثمود»، *مقالات و بررسی‌ها*، ۱۳۵۱، دفتر ۹-۱۲، ص ۳۰-۶۳.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۱ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة والنهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، *معنی الادیب عن کتاب الاعراب*، قم، واریان، ۱۳۸۱.
- استنفورد، مایکل، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام و سمت، ۱۳۸۴.
- اسمیت، لیندا توهیوای، *استعمارزدایی از روش*، ترجمه احمد نادری و الهام اکبری، تهران، ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۴.
- اوهانیان، هانس سی، *اصول فیزیک*، ترجمه یوسف امیرارجمند و نادر رباط، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- باردون، آدریان، *تاریخچه فلسفه زمان*، ترجمه حسن امیری آراء، تهران، کرگدن، ۱۳۹۵.
- بیرونی خوارزمی، ابوریحان، *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، تهران، انجمن آثار ملی، بی تا.
- بیومی مهران، محمد، *بررسی تاریخی قصص قرآن*، ترجمه سیدمحمد راستگو، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- الجمیل، سیار، *المجالیه التاريخیه؛ فلسفه التکوین التاريخی: دراسة رؤیویة فی المعرفة العربیة الاسلامیة*، عمان، الاهلیة للنشر و التوزیع، ۱۹۹۹م.
- حاج منوچهری، فرامرز، «مدخل اصحاب کهف»، در: *دائرة المعارف اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوری، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- خزائلی، محمد، *اعلام قرآن*، چ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱.
- سجادی، صادق، «مدخل ابراهیم»، در: *دائرة المعارف اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوری، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- سوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، بی نا، ۱۳۷۲.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، چ چهارم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- عابدی شاهرودی، علی، «بررسی مقدماتی تئوری زمان»، *کیهان اندیشه*، ۱۳۷۴، ش ۶۳، ص ۳۲-۶۱.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره، مطبعة دار الکتب المصریة، ۱۳۶۴ق.
- قاسملو، فرید، *تقویم و تقویم نگاری*، چ سوم، تهران، کتاب مرجع، ۱۳۹۳.
- قیصری، داودبن محمود، *نهایة البیان فی معرفة الزمان*، رسائل قیصری با تعلیقات سیدجلال الدین آشتیانی، چ دوم، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
- کرمانی، طوبی، *زمان در دو نگاه (ترجمه رساله قیصری از زمان و تعلیقه معمای زمان)*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- لاکس، مایکل، *درآمدی به متافیزیک معاصر*، ترجمه صالح افروغ و یاسر پوراسماعیل، تهران، حکمت، ۱۳۹۵.
- لمون، مایکل، *فلسفه تاریخ؛ راهنمای دانشجویان*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۴.
- مسعودی، علی بن حسین، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- موحدی، عبدالله، «بررسی شخصیت تاریخی لقمان حکیم»، *فصلنامه دانشکده الهیات و معارف مشهد*، ۱۳۸۰، ش ۵۳ و ۵۴، ص ۱۱۵-۱۵۷.
- میلود، العربی، *مفهوم الزمان فی فلسفه برعسون*، الجزائر، ابن الندیم للنشر و التوزیع، ۲۰۱۳م.
- نبئی، ابوالفضل، *تقویم و تقویم نگاری در تاریخ*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.